

فوتبال اردبیل سقوط کرد، نابود گردید و بدبخت شد

گویند مردی دو دختر داشت یکی را به یک کشاورز و دیگری را به یک کوزه گر، شوهر داد. چندی بعد همسرش به او گفت: ای مرد سری به دخترانت بزن و احوال آنها را جویا بشو.

مرد نیز اول به خانه کشاورز رفت و جویای احوال شد، دخترک گفت که زمین را شخم کرده و بذر پاشیده ایم، اگر باران بیارد خیلی خوب است اما اگر نیارد، بدبختیم.

مرد به خانه کوزه گر رفت، دخترک گفت: کوزه ها را ساخته ایم و در آفتاب چیده ایم، اگر باران بیارد بدبختیم و اگر نیارد خوب است.

مرد به خانه خود برگشت. همسرش از اوضاع پرسید. مرد گفت: چه باران بیاید و چه باران نیاید ما بدبختیم.

حالا این داستان، حکایت امروز فوتبال ماست. از یکی دو هفته مانده به قطعی شدن سقوط نماینده فوتبال اردبیل، آقایان و آنهایی که دستی در کار داشته اند به تکاپوی یافتن مقصر افتادند. خیلی ها همدیگر را متهم کردند. آنهایی که می خواستند در بحث تبرئه خود و دوستانشان از دیگران سبقت بگیرند، بر علیه دیگران سخن گفتند و با استفاده از بهترین کلمات، خود را از همه تقصیرها به دور دانسته و همه کاسه کوزه های سقوط را بر سر دیگران بشکستند.

جالب این جا بود که وقتی این حضرات با همدیگر در دور یک میز می نشستند، صمیمیت و برخوردشان عالی و وقتی از هم دور می شدند داستان کی بود، کی بود، من نبودم را آغاز می کردند.

مقصر هر کسی، هر ارگانی، هر تشکیلاتی و هر آدم از خدا بی خبر و بی اعتنا به خواست و عشق جوانان که باشد، فرقی به حالشان نخواهد کرد و در این وسط فوتبال اردبیل سقوط کرد، نابود شد و بدبخت گردید.

شناسایی مقصر یا مقصرین اصلی هرچند که می تواند التیامی بر زخم های چرکین دوستداران فوتبال و تیم شهرداری باشد ولی نمی تواند هیچ

دردی از دردهای فوتبال و تیم را حل بکند.

فوتبال اردبیل در سه سال اخیر بدترین و تاسف آورترین روزهای خود را سپری کرد. عده ای آنقدر زرنگ و اهل معامله هستند تا بتوانند با جار و جنجال و های و هوی و ایجاد حاشیه و باج دادن به چند نفر برای خود حاشیه امنیت ایجاد بکنند، در فضای مجازی دست نشانندگان خود را فعال بکنند و بخواهند فضا را در مواقع حساس و بحرانی به

نفع خود تغییر بدهند.

الآن توپ مقصر بودن بیشتر در زمین لطف الهیان شهردار و بهتاج مدیر کل ورزش و جوانان است. فوتبال حرفه ای قوانین و مقررات خاص خود را دارد و همه وظایف و مسؤولیت ها در آن تعریف شده است. در یک باشگاه که برای خود صاحب تشکیلات و مدیر و هیات مدیره و .. می باشد، اداره کل چه نقشی می تواند داشته باشد؟ و چگونه مانع از اقدامات سازنده آنها می شود؟ آیا این جای سؤال ندارد؟

کسانی که در متهم کردن آن دو در ماههای اخیر تلاش کرده و قلم فرسایی نموده اند چرا برای یک بار نخواستند، بپرسند که چگونه در جریان رقابت های لیگ یک و در نیم فصل، کوچ دسته جمعی بازیکنان از تیم شهرداری کلید خورد و با رفتن بازیکنان در پست های کلیدی موافقت گردید و به این ترتیب سنگ بنای شکست ها و سقوط به دسته دوم گذاشته شد. اگر واقعا و بدون تعصب می خواهیم به فوتبال کمک کنیم چرا برای یک بار هم سؤال نشد که چرا در نیم فصل به داور احمدی مؤثرترین یار خط دفاعی رضایت نامه صادر کردند و چه کسی آن را امضاء کرد؟ عاملین این حرکت ها آیا به تضعیف تیم کمک و مساعدت نمودند؟

چگونه می شود آنهایی که می خواهند به هر ترتیب ممکن ورزش و جوانان و کمیته تشخیص اهلیت را متهمان ردیف اول در سقوط معرفی کنند، نمی نویسند و نمی پرسند که چگونه فوتبال اردبیل سبز شد و چه افرادی در مسیر رسیدن به جلسه به او سفارش می کردند که همه شروط جلسه را بپذیرد؟

چرا تاکنون آنهایی که اداره کل را در تیر رس معرفی به عنوان عامل اصلی سقوط قرار داده اند، نمی پرسند چگونه و با حمایت و سفارش چه کسانی سفته را جایگزین ضمانت نامه بانگی کردند و از همان روز نسخه بدبختی و تیره روزی فوتبال اردبیل را پیچیدند؟

چرا نمی نویسند که میزان حدود و اختیارات اداره کل در تصمیمی گیری های باشگاه ورزشی شهرداری تا چه حد است و این اداره تا چه حد می تواند در امورات این باشگاه دخالت نماید؟

حال آقایان با این سؤالات دوباره به کمک دوستان ، یار و انصار و عوامل و زیر مجموعه هایشان دور جدیدی از حملات را آغاز نکنند و ما را بلندگو، حامی و بله قربان گوی اداره کل حساب ننمایند. ما حقیقت را بیان می کنیم و بدون شک حقایق و بازتاب آنها در جامعه برای برخی ها تلخی را به دنبال خواهد داشت. باکی از حملات جیره خواران نداشته و نداریم و امید آن داریم افرادی که می خواهند خود را در قامت یک منتقد به جامعه معرفی کنند، هیچ وقت در راستای تامین خواسته های عده ای گام بر ندارند و موافق با میل و خواست

آنها ، قلم خود را بر روی کاغذ نچرخانند.

کسی که اداره کل ورزش و جوانان و مدیر کل را نمی تواند مطلق بداند. آنها نیز در کار خود ایرادها و نواقص زیادی دارند، رشته های مختلف ورزشی با مشکلاتی مواجه هستند که یک سر آنها به اداره کل و مدیر کل مربوط می شود و در نهایت ما نیز به نوبه خود حرف های زیادی در این رابطه داشته و داریم ولی ورزش و نفس کشیدن در فضای آن به ما آموخته است که در انتقاد از یک مجموعه ، شخص و گروهی از صراط مستقیم خارج نشده و حقایق را فدای منافع شخصی ، بانندی و گروهی قرار ندهیم. به هر حال در سقوط فوتبال اردبیل مقصر هر کسی که بوده باشد، شهردار یا مدیر کل ورزش و جوانان ، آویزان شده ها از فوتبال و باشگاه شهرداری، نان به نرخ روز خورهای فرصت طلب، دست اندرکاران باشگاه و جاده صاف کن ها، کمیته تشخیص اهلیت ، رسانه ها و خبرنگاران و ... تقصیر از آن هر کسی و هر ارگانی که بوده باشد به کسی "تو" نخواهند گفت و در این میان فقط فوتبال ما بدبخت شد و جوانان و دوستداران فوتبال نیز عشق خود را از دست دادند.

والسلام